

هجوم سایبری و تجربه تلخ خبرگزاری فارس

فضای سایبری و امنیت به عنوان یکی از مهم ترین زیرساخت های حیاتی هر کشور، در جهانی که با شتابی شگرف به سوی یک دهکده کوچک اطلاعات در حال حرکت است اهمیت ویژه یافته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، سجاد عابدی در یادداشتی نوشت: حمله به زیر ساخت های سایبری را می توان حمله به آرامش روانی جامعه تفسیر کرد که در صورت عدم مدیریت جدی، می توانست به هرج و مرج بیشتر هم تبدیل شود. حال سوال اصلی اینجاست که جایگاه خبرگزاری فارس و البته بولتن های محرمانه در این هرج و مرج کجاست؟

اگر به رویداد هک فارس با چنین دیدگاهی نگریسته شده و به زبان ساده تر، صورت مسئله درست تعریف شود؛ می توان امیدوار بود که در راستای پیشگیری از وقوع و تکرار چنین رویدادهایی برنامه ریزی هایی بسیار جدی تر و راهبردی تر از طرف مسئولان سپاه صورت گیرد تا با توهّم دانایی بیش از پیش در عرصه زیرساخت های سایبری مواجه نشویم.

این توهّم دانایی گاهی در بسیاری از امور سایبری و امنیتی برای برخی افراد سطحی نگر و اصطلاحاً "rdquo" همه چیزدان پیش می آید. غافل از اینکه علم و دانش در هر رشته ای مانند کوهی یخی است که بخش کمی از آن قابل رویت است و بخش اعظم آن را نمی توان مشاهده کرد.

افراد سطحی نگر صرفاً "rdquo" بخش قابل مشاهده دانش را می بینند و گمان می کنند که کل دانش را دریافت کرده اند در حالی که این فقط توهمی از دانایی است نه خود دانایی. توهّم دانایی یعنی اینکه فکر کنیم همه جوانب مطلبی را می دانیم، بنابراین قاطعانه درمورد آن اظهار نظر می کنیم، در صورتی که اشتباه می کنیم. یعنی یا نمی دانیم و یا اشتباه و ناقص می دانیم و علت اصلی توهّم دانایی، تصور ناقص ما نسبت به تمام جوانب یک مطلب و سپس مقایسه ی دانش خودمان با همان تصور است.

حال اگر در جامعه ای، روال اینگونه شود که هر کسی بی محابا در هر امری مدعی دانستن شود و مردم تفاوت بین فهم متخصص و مدعی را تشخیص ندهند یا به اصطلاح شوfer جای دانشمند اظهار نظر کند و دانشمند بخواند ماشین را هدایت کند یعنی شوfer در مسند دانشمندان و دانشمندان در جایگاه شوfer ادامه فعالیت دهند امور جامعه به قهقرا می گراید. افسوس که، این داستان در کشور ما اتفاق افتاده و جاری است.

گروه عمده ای از مدیران و سیاستمداران و گردانندگان فضای سایبری با روش هایی غیرعلمی بر مسند نشسته اند و توهّم دانایی آنها را بدانجا کشانده است، تاجایی که کلمه (نمی دانم) را تحقیر خود می دانند. سقراط می گوید: (من داناترین فردم! چون تنها کسی هستم که می دانم که نمی دانم) در حالی که دیگران هنوز به نادانی خود نیز، آگاه نیستند.

اگر رویداد اخیر (هک فارس) را به عنوان تجربه تلخ کشور از هجوم سایبری تفسیر کنیم؛ می توان دیگر ابعاد این اتفاق را هم مورد توجه قرار داد. ابعادی چون نحوه اطلاع رسانی درباره حمله سایبری. در پی این حادثه، خبرهای منتشر شده در فضای مجازی و حتی خبرگزاری های معتبر چنان آشفته بود که بارها مورد تایید و تکذیب قرار گرفت و بار دیگر نشان داد که نخستین و مهم ترین موضوع در حراست از امنیت سایبری و زیرساخت ها در کشور، مشخص نشدن شخص یا نهاد مسئول این حفاظت است!!!

در توضیح آشفتگی اطلاع رسانی و قبول مسئولیت حادثه حمله سایبری به زیر ساخت ها در کشور، گزارشی مطرح است که قابل تامل است. در این گزارش چهار نهاد متولی این حوزه قرارگاه پدافند سایبری سازمان پدافند غیرعامل، مرکز مدیریت راهبردی افتای ریاست جمهوری (امنیت فضای تبادل اطلاعات)، وزارت ارتباطات و پلیس فتا معرفی شده و آمده است: براساس سند پیشگیری و مقابله با حوادث فضای مجازی مصوب چهل و چهارمین جلسه شورای عالی فضای مجازی، آن دسته از حوادث فضای مجازی که درحوزه مردم، کسب وکارهای خصوصی و مؤسسات غیردولتی و غیر زیرساختی به وقوع می پیوندد، توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، آن دسته از حوادث فضای مجازی که در حوزه دستگاه های غیر زیرساختی رخ می دهد، از طریق وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و آن دسته از حوادثی که در حوزه دستگاه های زیرساختی اتفاق می افتد توسط مرکز مدیریت راهبردی افتا مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. این در حالی است که قانون تشکیل سازمان پدافند غیرعامل همچنان به تصویب مجلس نرسیده است و این سازمان با توهّمات بیش از پیش خود سعی در تبیین استراتژی های کلان سایبری دارد!!! سوال اصلی اینجاست که جایگاه و نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوزه زیر ساخت های سایبری کجاست که به راحتی فضای سایبری یک خبرگزاری هک و بولتن های تولیدی با نقش و نگار محرمانه به سرقت می رود؟

پیشنهاد می کنم چهل سقراطی خود را کنار بگذاریم چرا که این چهل سقراطی که بعدها "rdquo" نیکلاس کوزابی "rdquo" آن را «چهل فرهیخته» نامید، درست همان چیزی است که برای تفکر و پژوهش و جستجو گری نیازمند آنیم. زیرا نخستین گام در تلاش برای کسب دانایی، غلبه بر توهّم دانایی است. ما زمانی می توانیم به درک و فهم و دانایی خود امیدوار شویم که آنچه را که نمی دانیم با شهامت و جسارت بگوییم؛ " نمی دانم."